



فرضیه زکات در نقود ورقیه

پدیدآورنده (ها) : محمدی، محمد ابراهیم

علوم اجتماعی :: نشریه پژوهش های اجتماعی اسلامی :: بهار ۱۳۷۶ - شماره ۸ (ISC)

صفحات : از ۳۵ تا ۵۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/19968>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- قاعده فقهیه اصله الصحه
- سرمقاله و مقاله مدیر مسئول: معاملات و انواع بیع مبحث معاطات

عناوین مشابه

- پیش در آمدی بر فرضیه زکات در نقود و رقیه
- چهار فرضیه در علل نبود تفکر بنیادین در شعر سبک هندی
- نقش پیچیدگی اقتصادی در ردپای بوم شناختی: بررسی فرضیه منحنی زیست محیطی کوزنتس (EKC) برای ایران
- وحدت امت اسلامی رویارویی تمدن ها: بررسی موردی تصاویر فرضیه حج در نگارگری
- یبندۀ نظام سازی زکات در هندسۀ تامین مالی دولت اسلامی در ایران در آیینۀ فقه شیعه
- حقوق اقتصادی در فقه مذاهب اسلامی (مطالعه موردی زکات و احتکار)
- اثر زکات بر نابرابری درآمد در ایران
- مقایسه تاثیر مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف بر توزیع درآمد در استان های منتخب ایران
- گامی در اثبات فرضیه وجود فعل مرکب در زبان عربی
- تحلیل تجربی تاثیر حضور سرمایه گذاران نهادی فعال دارای نماینده در هیات مدیره بر انگیزه های اختیاری مدیران جهت مدیریت سود (فرضیه نظارت کارا یا فرضیه همگرایی استراتژیک؟)

فقه



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

✓ فرضیه زکات در نقود ورقیه (۲)

محمد ابراهیم محمدی

فرضیه زکات در نقود ورقیه

بخش دوم

محمد ابراهیم محمدی

پیش سخن



بیشتر درباره مفهوم، ماهیت و سیر تکاملی پول، مطالبی به اختصار طرح و عنوان گردید. و نتیجه این شد که پول (در قالب مصداقهای مختلف آن) در گذر زمان دستخوش تحوّل و تکامل بوده است و هر عصری به اقتضای اندیشه‌های خاص خود، به عنوان نظام پولی در چرخه مبادلات از آن استفاده می‌کرد، بدین لحاظ نمی‌توان سیستم پولی ثابتی را بعنوان نظام ماندگار نمود و آن را برای همیشه بستر برنامه‌های مختلف مالیاتی و حقوقی قرار داد.

روشن است که اسکناسهای امروزی، در واقع شکل تکامل یافته پول در گذشته‌های دور (از آغاز تا مرحله دو فلزی بی رابطه ← دو فلزی با رابطه ← مرحله تک فلزی و ...) می‌باشد و از مشخصه پولی مستقلی برخوردار است. بدین سان وابسته دانستن سیستمهای پول کاغذی به نظامهای کهن، گرچه از نظر متقدمین از قضا معتبر بوده است اما امروزه تنها در قالب یک فرضیه مطرح می‌گردد. که در بخش نخست توضیح آن گذشت و اکنون در این نگاشته مطالبی چند مانند: اساس مشروعیت پول، سکه و هویت اسلامی آن، پول و مقتضیات زمان، طلا و نقره در قرآن و ... به بحث گذارده می‌شود.

اساس مشروعیت پول

برخی از صاحب نظران تعمیم و تبدیل پولهای شرعی را به اسکناسهای امروزی اطلاق به مجاز دانسته و در مقایسه با ارزش و اعتبار نقود شرعی آن را مشروع نمی دانند^۱ و بدین سبب، از نگاه ایشان، پولهای متعارف و معمول روز، بستری مناسب برای مسائل حقوقی و مالیاتی و ... به شمار نمی آید. در اندیشه این گونه از دانشوران، تمدن و توسعه پولی، هر چند در گذر زمان و در تحولات تکاملی صنعت مبادلات، پیشرفت نماید، در مسائل حقوقی و جزائی و مهمتر از همه مالیاتی جایی ندارد. و بدین سان شمار دیگری از دانشمندان، درهم و دینار در لسان روایات را به نقد رایج، که از جنس نحاس و برونز (که اکنون همان مقدار طلا و نقره در پشتوانه داشته باشد) و یا طلا و نقره مسکوک یا مسبوک می باشد، تفسیر کرده و چنین نتیجه می گیرند که اگر پول (هر چند اعتبار جهانی داشته باشد) از پشتوانه طلا یا نقره برخوردار نباشد اعتباری ندارد.^۲

پول از دیدگاه واقعیتهای جهان امروز

براستی آیا اسکناسهای کاغذی معاصر که برخی از آنها (دلار، ین، مارک و ...) اعتبار و مقبولیت جهانی دارند و در داد و ستدهای بین المللی به کار می آیند به سبب تغییر شکل و یا عدم استناد آنها به طلا و نقره مشمول مالیات شرعی نمی باشند؟! و عبارتی دیگر آیا می توان این دسته اسکناسها را (که به اذعان کارشناسان مسائل پولی بازمانده و شکل تکامل یافته نظام پولی گذشته از جمله درهم و دینار می باشند) به دلیل این که در ظواهر

۱. سلیمان بن حمدان از علمای معاصر سعودی؛ ر.ک: خالدی، دکتر محمود، التّقود الورقیة المعاصرة، ص ۳۶ به نقل از روزنامه البلاد السعودیه شماره ۲۹۱۷ سال ۱۳۷۶ ه. ق.
... ان ما کتب علی الأوراق التقدیة من آنها ریال أو دینار أو دینار أو جنیه هی أسماء اصطلاحیه مجازیة لیست اسماء حقیقیة و علاقه المجاز فیها صحه نفیه...

۲. محمد تقی النبهانی، نظام الاقتصادی فی الاسلام، صص ۲۲۲-۲۲۳
... اما اذا کان النقد لا یستند الی الذهب و الفضة کالنقود الورقیة فلا یعتبر

معاجم روایی نامی از آنها برده نشده است و به تبع آن در متون فقهی مورد بحث قرار نگرفته است، از هر نوع بار مالیات شرعی معاف دانست؟

در هر صورت با تحقیق و بررسی متون استدلالی شماری از فقهاء، این واقعیت به دست می آید که این عده از دانشوران ژرفاندیش با اذعان به ناکارآمدی و نامرئومی درهم و دینار، متأسفانه در اجماع متقدمین از فقها تجدید نظر نکرده‌اند و با نگرشی تردیدآمیز به یافته‌های جدید خود، همان برداشتهای متقدمین را در رساله‌های عملی خود منعکس می‌نمایند!۱

برخی دیگر، اسکناسهای امروزی را از جمله عروض می‌دانند و بدین لحاظ خود اسکناسها را متعلق عقد بیع و... تلقی می‌کنند. و این گونه پولها را باستناد فرمایش حضرت رسول ﷺ «الذهب بالذهب رباً مثلاً بمثل وزناً بوزن یبدأ بید» مشمول ربا نمی‌دانند^۲ و به همین لحاظ جماعتی از علمای معاصر مالکی، در مصر و... به عدم مشروعیت پرداخت نقود ورقیه بعنوان زکات و دیه فتوا داده‌اند.^۳

با توجه به این‌که امروزه طلا و نقره (بر خلاف گذشته که نقش پول را بازی می‌کرد) بعنوان کالا مبادله و دست بدست می‌شود.

شهید محمدباقر صدر هم در بخشی از کتاب البنك اللاریبی فی الاسلام پولهای کاغذی را به دلیل این‌که، نه کیل و نه وزن می‌شوند، مشمول ربا نمی‌داند؛ و معتقد است

۱. محمدباقر صدر، *ماوراء الفقه* صص ۶۲-۲؛ حسینعلی منتظری، *الزکاة*، صص ۲۸۱-۱۴۷

... و هل تجب الزکاة فی الاوراق المالیة الحالّة محلها فی هذه الاعصار - کالتوت و الدولار و الاوراق المالیة المسماة بالدنانیر و الدراهم و جهان: من حصر ما فیہ الزکاة فی الاخبار المستفیضة بل المتواترة فی التسعة و لیست منها و من کونها فی الحقیقه حواله علیهما او الغاء الخصوصیة و استنباط کون الموضوع فی الحقیقه النقد الرائج ...

و به منابع عامه مراجعه شود، به الجذیری عبد الرحمن، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، ج ۱، بحث زکات، و ابن قدامه، *المغنی*، ج ۲، ص ۵۹.

۲. عبدالرحمن السعدی، *الفتاوی السعدیة*، صص ۶۴-۶۳.

فتعین ان الاوراق النقدیه عروض التجارة یثبت لها ما یثبت لساتر العروض من الاحکام و ...

۳. محکوف محمد حسنین، *التیان فی زکاة الاثمان*، ص ۳۱.

شرایط مربوط به طلا و نقره در نقود ورقیه جاری نیست.^۱

تأملی در مشروعیت پولهای معاصر

پاره‌ای از فقها ضمن رد مشروعیت اوراق مالیه با طرح مؤیداتی چند، در مقام تقویت این نظریه بر آمده‌اند که در این مجال بعضاً به سبب پاره‌ای از مشابتهای و ضعفهای استنباطی بعضی دیگر، به اجمال به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف - محوریت نقدین

اسلام از همان آغاز نقدین را بعنوان محور در مسائل مالیاتی و حقوقی و مجموعه آنچه با پول ارتباط پیدا می‌کند معرفی کرد، و به همین دلیل یک نظام هماهنگ، ماندگار و لایتغیر است؛ زیرا این موضوع بیش از موضوعات دیگر، در مسائل حقوقی جزایی چون دیات و ... کاربرد دارد. و پیامبر گرامی اسلام هم در نامه خود به اهل یمن همین مطلب را مرقوم فرموده‌اند.^۲

ب - رسمیت نقدین

طرفداران این تفکر، ارتباط موارد فراوان مالیاتی و حقوقی به نظام پولی نقدین را نشانگر رسمیت و ثبات این سیستم پولی از دید اسلام می‌دانند؛ در باور ایشان و مجموعه احادیث و بیاناتی که نسبت به درهم از سوی رسول اکرم ﷺ رسیده است، نشان از احکام شرعی و موضوعات مربوط به نقدین و تأیید آن می‌باشد و این نشانگر این است که در دایره مسائل حقوقی و مالیاتی جز نقدین شکل پولی دیگری اعتبار ندارد.^۳

۱. محمدباقر صدر، *البنک اللارویی فی الاسلام*، ص ۱۷۳

... فإن ذلك لا يحق الربا المحرم في البيع ما لم يكن المعروضان من المكمل، و الموزون و ...

۲. و إن في النفس المؤمنة مائة من الأيل و على اهل الورق ألف دينار.

۳. محمد خالدي، *النقود الورقية المعاصرة*، ص ۴۲.

هذه الوحدة النقدية هي النقد و هي اساس النقد فكان الاسلام ربط الاحكام الشرعية بالذهب و الفضة نساء حين تكون هذه الاحكام متعلقة بالنقد دليل على ان النقد إنما هو الذهب و الفضة فحسب.

ج - نقد رایج

شارع نقدین را به عنوان یگانه پول رایج و رسمی و محور در سنجش ارزش انتخاب معرفی نموده است و بدین لحاظ همه معاملات با معیار نقدین انجام می‌گیرد و این واقعیتی است که ریشه در عمل مسلمین و امضای شارع دارد، زیرا صحابه این چنین معامله و داد و ستد می‌کردند و پیامبر اکرم هم این معاملات را که بوسیله طلا و نقره انجام می‌گرفت، امضا فرموده‌اند.^۱

د - کنز نقدین

قرآن کریم^۲ ضمن اشاره به نقدین، مردم را به انفاق آن امر می‌کند و کنز آن را عملی نکوهیده می‌داند. و این از مشروعیت انحصاری نقدین می‌باشد و از دایره موارد دیگر پولی بیرون است. و بدین لحاظ اوراق مالیه (اسکناسهای معاصر) خارج از حوزه مالیاتی اسلام می‌باشد و مشروعیتی در خصوص مسائل مالیاتی و حقوقی ندارد. اینک ضمن پاره‌ای از مسائل مربوط به پول شرعی و پیشینه آن و طرح جایگاه اسکناسهای امروزی، نگرشی دیگر را پی می‌گیریم.

درهم و دینار و پیشینه تاریخی آن

تردید نیست که گستره عملیاتی اوراق مالیه، فراتر از نقشی است که دیر زمانی، درهم و دینار ایفا می‌کردند. امروزه اسکناسهای کاغذی با صنعت پیچیده خود فعالترین نقش را در هدایت بزرگترین عملیات مبادلاتی به انجام می‌رسانند.

شکی نیست که پولهای امروزه در واقع شکل تکامل یافته آن در مراحل گذشته و نمود تجربیات پرفراز و نشیب بشریت در صنعت مبادله است. واقعیتهای تاریخی نشانگر این حقیقت است که رسمیتین پول اسلام (درهم و دینار) کمترین ریشه را در جوامع و

۱. المقریزی، النقود القديم فی الاسلام، ص ۳۰.

۲. إن رسول الله ﷺ أقرّ النقود فی الاسلام علی ما کانت علیه و ...

۲. سوره توبه، آیه ۳۴.

معاجم عربی و اسلامی دارد، زیرا از مسائل دخیل و وابسته به فرهنگهای بیگانه آن عهد بوده است. بدین سان (طبق نقل مورخین) درهم و دینار از یونان وارد زبانهای سامی چون عبری، سریانی و آرامی و ... گردیده است و بناچار به زبان عربی نیز منتقل شده است.^۱ پس باید اذعان داشت که اعتبار و ارزش نظامهای مختلف پولی و واحدهای متعارف آن در اسلام (درهم و دینار) وابسته و وامدار مذهب و دین نبوده است. دین نیز تأثیر قابل توجهی در آفت و خیز و نوسانات آن نداشته است. جز این که این پدیده خودجوش و ریشه دار، بستری برای مسائل مختلفیاتی حقوقی (دینی) بوده است.

از این رو در هیچیک از متون تاریخی شواهدی دال بر این که اسلام سیستم پولی ویژه‌ای را بنیان نهاده باشد وجود ندارد، بلکه اسلام همان مرام خودجوش و مردمی را امضا و بر اساس آن هم نظامهای مختلف حقوقی و مالیاتی را تشریح نموده است.^۲ بهر تقدیر، آنچه در روایات و متون دیگر فقهی و تاریخی در ارتباط با درهم و دینار آمده است؛ نمی‌تواند نشان‌دهنده مقبولیت ماندگار آنها تلقی شود. بلکه این قبیل از واحدهای پولی صرفاً مشخصترین پول در زمان ظهور اسلام بوده است.

سکه و هویت اسلامی آن

عربها، سالیان مدیدی از سکه‌های ساسانی که منقش به تصاویر پادشاهان این خاندان و تصویر آتشکده بود، داد و ستد می‌کردند و بعضی گفته‌اند، ایشان عبارت «بسم الله» را در کنار آن افزودند. استفاده از سکه‌های ساسانی تا زمان عبدالملک بن مروان (پنجمین خلیفه اموی، ۸۶-۶۵ ه. ق) ادامه داشت. اما طبق گفته ابو علی احمد بن عمر در الاعلاق نفیسه^۳ و

۱. در شماره نخستین این نگاهشته اشارتهای چند در این خصوص شده است.

۲. سید محمد شیرازی، الفقه ج ۲۹، ص ۴۱۴. مضافاً الی النص ورد بالزکاة فیها فی زمن النبی ﷺ حیث کانت السکه کلها للکفر فان النقد الذی کان یتعامل به کانت نقوداً کسرویه و رومیة.

۳. ابن عمر، ابو علی احمد، الاعلاق نفیسه، ص ۱۹۲.

و اول من نقش بالعربیه علی الدرهم عبدالملک بن مروان ...

ابن واضح معروف به یعقوبی در تاریخ یعقوبی^۱، سکه اولین بار بنابه دستور عبدالملک بن مروان ضرب زده شد.

بی شک ضرب سکه نقره در زمان عبدالملک بن مروان که در واقع نخستین تجربه اعراب در این خصوص بوده است، به تقلید از درهم ساسانی صورت گرفته است. زیرا کهنترین سکه زر دیناری که در تاریخ ۷۷ هجری از حکومت ایشان بجا مانده است به تقلید از دینار بیزانس (روم السفلی) بوده است^۲.

به همین دلیل است که از درهم و دیناری که اصالتاً اجنبی بوده اند، به سبب شیوع و رواج آن، حتی در عصر ائمه و نیز در حکومت عبدالملک و خلفای عباسی، تحت عنوان سکه های اسلامی زکات اخذ می گردیده است^۳.

بدین سان اکثر فقهاء در خصوص شرایط زکات در نقدین این قید، «سواء کان بسکه الاسلام او الکفر» یا «اسلامیه او غیرها»، را افزودند^۴.

بررسی روانی و فقهی اسکناسهای متعارف

بدون تردید امروزه نقدین فراتر از جایگاه پولی خود عمل می کند و به مجموعه ای از اشیاء زینتی مبدل شده است و خود کالایی گردیده که به وسیله اسکناسهای کاغذی مبادله و دست بدست می شود^۵.

۱. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ص ۲۶.

و فی ایام عبدالملک نقشت الدراهم و الدینار بالعربیه ...

۲. لقتنامه دهخدا، ماده پول، ص ۴۰.

۳. حسینعلی منتظری، الزکاة ج ۱، ص ۳۰۱.

... و المتداول فی عصر النبی ﷺ کانت النقود الرومیه و الکسرویه و فی عصر الائمة علیهم السلام النقود التي

ضربها عبدالملک فی شمل الحکم سکه الاسلام و الکفر.

۴. الزکاة، ج ۱، ص ۲۸۱، به نقل از کشف الغمّة؛

الشرط الثانی، ان یکون مسکوکاً بسکه المعامله قديمة او جدیدة، اسلامیه او غیرها و ...

۵. پول در قدیم مالیت داشته است و دو کار عمده انجام می داده است ۱- وسیله مبادله ۲- انبار

جای تعجب است که فقها و دانش‌وران عرصه فقاہت با اذعان به این واقعیت که پولهای معاصر جانشین طلا و نقره و فراتر از آن دو در هدایت عملیاته‌های کلان و در چرخه مبادلات جهانی نقش کلیدی ایفا می‌نمایند، با وجود این کمترین اعتباری برای آن در خصوص مسایل حقوقی و مالیاتی قائل نیستند. در حالی که این گونه از پولها باسانی قابل تبدیل به طلا و نقره می‌باشد، از این جهت برخی از فقهای معاصر به وجوب اخذ زکات از اوراق مالیه فتوا داده‌اند.^۱ از سوی دیگر چگونه می‌توان این را پذیرفت، که از نظر شرع و طبق مجموعه فتاوی فقها، شخصی که دارای نقدین است طبق شرایط مربوطه، موظف به پرداخت زکات است، اما خیل فراوان مال انباشتگان و متمولان، تکلیفی از این بابت متوجه آنها نباشد. آیا این خود مفرّ شرعی مناسبی برای ایشان نیست تا با تبدیل نقدین به اوراق مالیه، از زکات معاف شوند؟!

در هر حال بی‌شک مجموعه آنچه از رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است ناظر بر موضوعات جاری روز می‌باشد. که در آن موقعیت زمانی لازم و مبتلا به می‌نموده است. لذا انتظار دستیابی به نصی که ناظر بر موضوعات امروزی و مقتضیات زمانی باشد، اندیشه‌ای به دور از حقیقت است. از این رو عدم طرح این قبیل موضوعات نوظهور در متون حدیثی نمی‌تواند برای همیشه مفروغ‌عنه و خارج از بررسیهای ژرف‌اندیشانه باشد. اگر چه پاره‌ای احادیث به سبب سؤالاتی که شماری از شیعیان (که در مناطق دور دست زندگی می‌کردند) از ائمه علیهم‌السلام داشتند روزنه‌ای را در این

→ ارزش، اما در تعریف جدید امروز، طلا انبار ارزش است ولی وسیله مبادله نیست بلکه اگر مبادله شود به عنوان کالا مبادله می‌شود، لذا پول امروزی است که هم انبار ارزش است و هم وسیله مبادله. البته پول انبار است که در شرایط توّرمی ارزش خود را از دست می‌دهد. اقتباس از مقاله پول و اقتصاد اسلامی، اثر درّی نجف آبادی.

۱. عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، بحث زکات.
 جمهور الفقهاء بیرون وجوب الزکاة فی الاوراق المالیه لانها حلّت محل الذهب و الفضة فی التعامل و يمكن صرفها بالفضة بلاعسر فليس من المعقول ان يكون لدى الناس ثروة من الاوراق المالیه و يمكنهم صرف نصاب الزکاة منها بالفضة و لا يخرجون منها زکاة و لذا اجمع فقهاء الثلاثه من الائمة علی وجوب الزکاة فيها و خالف الحنابلة فقط.

خصوص می‌گشاید^۱.

از این جمله حدیث زید زرگر است، از این حدیث استفاده می‌شود که اگر پول رایج، طلا و نقره خالص نباشد، متعلق زکات خواهد بود و لازم نیست، عیار آن صد در صد خالص باشد^۲.

و شاید برخی از فقها به همین لحاظ و با توجه به این دسته از روایات قید رواج و کارآمدی پول را در فتاوی خود آورده‌اند که از جمله می‌توان به فتوای صاحب کشف الأستار طبق نقل صاحب جواهر^۳ اشاره کرد، ایشان پول رایج را به دلیل کارآمدی و گستره اعتبار آن چون پول رسمی سلطان وقت، انگاشته و آن را مشمول زکات می‌داند. بدون تردید اسلام با آینده‌نگری به گستره ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه می‌نگرد و بر خلاف برداشتهای برخی افراد متعبد و افراطی، مکتبی جاویدان و منطبق بر مقتضیات زمانی و نیازمندیهای عصری می‌باشد.

بر این اساس چگونگی است که برخی با اذعان به مسائل نوظهور و تبدل و دگرگونی مصادیق احکام و با اطلاع کارشناسانه به عدم موضوعیت پاره‌ای از احکام و مسائل جانبی آن، دست از تعصب بر نمی‌دارند.

به تعبیر علامه اندیشمند شهید محمد باقر صدر^۴ زکات نقدین موضوعیت خارجی ندارد، چون (بر خلاف گذشته) امروزه پولهای دیگر کارآمدتر و متناسبتر با مقتضیات

۱. در نگاهتهای بعدی مشروحاً بدان پرداخته خواهد شد.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱، ب ۷، ح ۱.

قال زید الصائغ - قلت لابی عبدالله علیه السلام: انی کنت فی قریة من قری خراسان یقال لها: بخاری، فرایت فیها دراهم تعمل ثلث فضة و ثلث مساً و ثلث رصاصاً و کانت تجوز عندهم و کنت اعمالها و انفقها. قال: فقال ابو عبدالله علیه السلام لایاس بذلک اذا کان تجوز عندهم فقلت: رأیت ان حال علیه الحول و هی عندی و فیها ما یجیب علی فیہ الزکاة ازکیها؟ قال علیه السلام نعم انها مالک و ... الخ.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۱۸۱.

و لو کان سکه غیر سکه لسلطان الوقت فان عمّت بها المعامله ...

۴. علامه محمد باقر صدر، ماوراء الفقه، ج ۲، ص ۶۲.

انّ هذه الزکاة غیر موجودة الآن علی وجه الارض اصلاً لانه لا یوجد ای دولة تتداول اسواقها دنائیر الذهب از دراهم النضة و ...

زمانی، جانشین نقدین شده است. بدین لحاظ درهم و دینار که در بازارهای امروز جهانی موجودیت ندارد و خارج از دسترس همگان می باشد، چگونه می تواند یکی از موارد زکاتی باشد که مردم موظف به پرداخت آن هستند.

بررسی و مطالعات مربوط به پول و روند تکاملی آن، حکایت از تکامل تدریجی متناسب با مقتضیات زمانی جوامع انسانی بوده است. و مردم در هر دوره ای، همگام با نیازمندیهای متأثر از پیشرفتهای مبادلاتی و کلان شدن حجم معاملات و گسترش جغرافیایی دادوستدها، شکل جدید و نقشی فعالتر از پول نسبت به گذشته به وجود آورده اند.

بدین سان سیستم پولی هر عصری شکل تکامل یافته دوره پیشین خود و متأثر از تجربیات پولی دست اندرکاران آن بوده است، لذا نظامهای پولی (حتی شکل پیشرفته آن) بی ارتباط به نوع گذشته خود نبوده اند زیرا شکل تکامل یافته پول، در دوره بعد متجلی می گشت.

بدون شک امروزه پول مرسوم، یکی از انواع تکامل یافته نظامهای پولی گذشته مخصوصاً درهم و دینار است. از این رو ایستایی و تعبد به یک سیستم پولی که قرنهای متمادی از عمر آن می گذرد، جای بسی تأمل دارد.

بررسی مقارنه ای نقدین و اسکناسهای کاغذی

از بررسی سیر تحول پول و آرا دانشوران مسائل پولی، این مطلب به دست می آید که پول مرسوم امروزی برخوردار از مشخصه های ارزشی و بستر و مجرای مقررات حقوقی و مالیاتی می باشد و روشن است که وابسته انگاری آن به پشتوانه، صرفاً یک فرض روانی و تشریفاتی است. و کشورهای پای بند به مسائل حقوقی اسلام، عملاً مسائل مرتبط با درهم و دینار را بر اساس پولهای متعارف روز سامان می دهند و به تعبیر قرضاوی در فقه الزکاة^۱،

۱. یوسف قرضاوی، فقه الزکاة، ج ۱، ص ۲۷۶.

امروزه پولهای کاغذی، چون درهم و دینار، صداق و مهریه واقع می‌شود، و ازدواج بر اساس آن محقق می‌شود، اجرة العمل فعالیتها و تلاشها قرار می‌گیرد و مردم این پولها را بدون هیچ‌گونه اعتراضی به عنوان دیه قتل، اداء دین و دهها مسأله دیگر حقوقی که بار مالی دارد، می‌پذیرند. حضرت امام خمینی علیه السلام در همین ارتباط چنین فتوا می‌دهند:

اما اوراق نقدی مانند اسکناس و دینار و دلار و دیگر انواع آن، دارای مالیت اعتباری هستند و اینها حکم پول رایج را دارند. مانند طلا و نقره مسکوک، و پرداخت آن به طلبکار مسقط ذمه است و در تلف شدن و از بین رفتن آنها و نیز اتلاف و از بین بردن آنها ضمانت است مانند اموال دیگر.

لذا برخی از مسائل حقوقی و مالیاتی (که در گذشته بر اساس درهم و دینار سامان می‌گرفته است) با نظام هماهنگ پولی روز محاسبه و با گذر، از تنگناهای فراوان اجرایی، در مقوله مسائل حقوقی و مالیاتی و ... اجرا می‌گردد و این منافاتی با کتاب آسمانی ندارد. قرآن ضمن تأکید به پرداخت زکات، آن را همواره در کنار نماز متذکر شده است. و در این رابطه اطلاقی عام دارد «خذ من اموالهم صدقة»^۲ و یا در جای دیگر می‌فرماید «انفقوا من طیبات ما کسبتم و ما اخرجنا لکم من الارض»^۳ و در جای دیگر قرآن مجید در خصوص کنز طلا و نقره نهی نموده است «و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا یتفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم یوم ...»^۴.

طلا و نقره در قرآن

از جمله آیاتی که دلالت بر تعلق زکات در طلا و نقره دارد آیه کنز است این آیه که با

→ لقد اصبحنا هذه الاوراق النقدية تحقق داخل كل دولة ماتحققه النقود المعدنية و ينظر المجتمع اليها نظرتة الی تلك انها تدفع مهراً فتستباح بها الفروج شرعاً دون ای اعتراض و ...

۱. امام خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۲، مسائل مستحدثة.

اما الاوراق النقدية كالاسکناس و الدینار و الدولار و غيرها فلها مالیة اعتباریة و هی نقود كالدینار و الدرهم المسکوکین من الذهب و الفضة و دفعها الی الدائن مسقط لذمته و فی تلفها و اتلافها ضمان کسایر الاموال.

۲. سورة توبه، آیه ۱۰۳.

۴. سورة توبه، آیه ۲۴.

۳. سورة بقره، آیه ۲۶۷.

تهدید شدید همراه است خطاب به کسانی است که اقدام به انباشتن طلا و نقره می‌کنند و از انفاق آن سر می‌تابند.^۱

مراد از طلا و نقره، نقود این دو است به قرینه «لا ینفقونها» که بدل «لا ینفقونها» است، چون در عرف، نقود در انفاق رفته است و ابزار مستقیم برای انفاق می‌باشد و «لا ینفقونها» بدل از «لا ینفقونها» می‌باشد. و ضمیر آن هم که به ذهب و فضه بر می‌گردد، باعتبار درهم و دینار آن می‌باشد.^۲

و به دیگر عبارت، صورت نقودی آنها مدنظر می‌باشد، بنابراین آیه شریفه شامل صورتی می‌شود که تمامی نقود متعارف هر عصری را در بر بگیرد.

لذا آیه شریفه، اشاره به کسانی دارد که از تأدیة حقوق خدا امساک می‌کنند، و از آن جا که اوراق مالیه یکی از مصادیق فعلی آن (طلا و نقره) می‌باشد، در گردونه مالیات اسلامی قرار می‌گیرد و مشمول زکات می‌باشد. و به تعبیر برخی از فقها، الاوراق المالیه الحاله محل التقدین.^۳

پس، اوراق مالیه بخودی خود مشمول زکات می‌باشد و مصداق روشن «اموال» است و قرآن بصورت کلی دستور به اخذ زکات از اموال داده است. بنابراین نمی‌توان اوراق مالیه را به اعتبار سندیت و با مشخصه اعتبار طلا و نقره مشمول زکات نمود. اصولاً وجود طلا و نقره و مشابه آن به عنوان پشتوانه ارزشی در بانک مرکزی حیثیت تعلیلیه دارد (نه تقییدیه) بدین لحاظ اوراق مالیه بخودی خود اعتباری مستقل و ارزشی جدا دارد.

از این گذشته اگر پولهای معاصر، حواله طلا و نقره تلقی شود لازم می‌آید در هنگام مفقود شدن، از بین رفتن و عوارض دیگر، ذمه محتال بری نباشد، حال آن‌که چنین نیست بلکه در صورت بروز هر حادثه‌ای که منجر به از بین رفتن آن شود، هیچ حقی را ایجاد نمی‌کند و چیزی متوجه محتال نمی‌باشد.

۱. سوره توبه، آیه ۲۴.

۲. اقتباس از رضا محمد رشید، المنازع، ۱۰، ص ۴۰۴؛ علی هیرید، زکات مالیات اسلامی، ص ۹۳.

۳. الزکاة ج ۱، ص ۲۸۱.

و لو ابیت ما ذکرنا فالاحوط القول بثبوت الزکاة فی جمیع الاوراق المالیه، الحاله محل التقدین.

افزون براین اگر اوراق مالیه در مقام حواله باشد معامله در فرض مشخص نبودن ما بازاء باطل می‌شود، اما برعکس هیچکس در هنگامه داد و ستد در اندیشه این فرضها و احتمالات نمی‌باشد و در کمیّت و کیفیت پشتوانه درنگ نمی‌کند و به پولهای مورد معامله به‌عنوان محور در سنجش ارزش و بهره‌مند از بایستگیهای ارزشی می‌نگرد.

در هر صورت، این احتمال که پولهای متعارف ارزشی بدون اتکاء به طلا و نقره و اعتباری عقلایی و برخواسته از اندیشه بشری داشته باشد خالی از قوت نیست.

بررسی مفهوم کنز در قرآن

آیه کنز به‌استناد پاره‌ای از احادیث دلالت بر حرمت کنز اموالی دارد که مشمول زکات می‌باشند. اصولاً این تهدید شدید متوجه کسانی است که طلا و نقره را انبان و از پرداخت حقوق الهی (زکات) امساک دارند، بدین سبب هر مالی (طلا و نقره) که زکات آن پرداخته شود، مشمول حرمت کنز نمی‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

ای مالِ ادیت زکاته فلیس بکنز^۱ و کل مالٍ لم تؤدّ زکاته فهو کنز و ان کان ظاهراً و کل ما ادیت زکاته فلیس بکنز و ان کان مدفوناً فی الارض^۲.

نقل است، چون آیه حرمت کنز، نازل شد کار بر مسلمانان مشکل گردید و گفتند با این حکم هیچیک از ما نمی‌تواند چیزی را برای فرزندان خود ذخیره کند و آینده آنها را تأمین نماید. سرانجام از پیامبر سؤال کردند و پیامبر فرمود: خداوند زکات را واجب نکرده است مگر به خاطر این که باقی مانده اموال شما برای شما پاک و پاکیزه باشد لذا قانون ارث را درباره اموالی که بعد از شما می‌ماند قرار داده است.

ان الله لم يفرض الزکوة الا لیطیب بها ما بقى من اموالکم و انما فرض الموارث من

۱. المنار، ج ۱۰، ص ۴۰۴.

۲. حکیمی، الحیة، ج ۴، ص ۱۸۱، بنقل از وسائل، ج ۵، ص ۲۶.

اموال تبقی بعدکم^۱

بنابراین اگر گردآوری مال به کلی ممنوع بود قانون ارث موضوعیت نداشت^۲.
بهر تقدیر در فرهنگ اسلام و در عرف فرهنگ عرب، کنز و امساک صرفاً در مسائل پولی و ابزار مبادله مصداق می‌یابد و در اصطلاح اگر ابزار تبادل و داد و ستد از ایفای نقش، محروم شوند بدان کنز گفته می‌شود.

و این اختصاص به درهم و دینار ندارد، بلکه مطلق پول را شامل می‌شود، بدین لحاظ اگر کسی طلا و نقره‌ای را که به‌عنوان پول، ابزار و معیار در داد و ستد و مشمول زکات است، را برای رهایی از زکات تبدیل به وسیله‌ای زینتی نماید، زکات همچنان بر ایشان واجب می‌باشد و این خود کنز و انبان کردن پول می‌باشد. و شاید برخی از فتاوا هم ناظر به همین مورد باشد، مثلاً شیخ طوسی^۳ در سبائک، زکات از طلا و نقره را واجب نمی‌داند، اما کسی را که به قصد فرار از زکات به چنین عملی دست می‌زند را ملزم به پرداخت آن می‌کند.

امروزه بر اساس اجماع فقها یکی از شرایط (سه‌گانه) تعلق زکات در نقدین شرط تعامل آن می‌باشد^۴. و اساساً به تعبیر علامه شهید صدر^۵، بازار مسلمین از درهم و دینار متعارف شرعی عاری می‌باشد و نقش قابل تأملی در سوق مسلمین ندارد.

ادامه دارد



۱. تفسیر نمونه، ج ۷ ذیل آیه کنز سورة توبه به نقل از المنار، ج ۱۰، ص ۴۰۳.
۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۳، احادیث مشابه آنچه ذکر شد.
۳. سلسله التناهیات الفقہیة، ج ۲۹، ص ۱۵۳، به نقل از مبسوط.
۴. فاما سبائك الذهب و الفضة فانه لايجب فيها الزكاة الا اذا قصد بذلك، الفرار فيلزمه حينئذ الزكاة.
۵. ماوراءالفرقة، ج ۲، ص ۶۲.
۶. جواهرالكلام، ج ۱۵، ص ۱۸۱.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی